

پیروزی

مبارزه



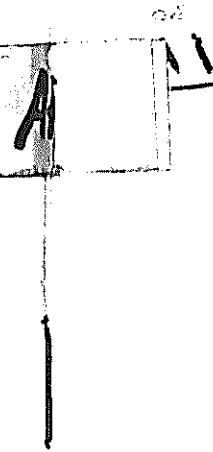
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیام داشتجو

۱۵۰. داشتجویی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بنیانگذار رفیق شهید بیژن جزئی

شماره (۳)



مرداد ۱۳۵۷

CISNU
Postlagerkarte A-011679
6000 Frankfurt/Main 60
West Germany

CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS (NATIONAL UNION)
Confédération des Iraniens Étudiants / Confédération des Etudiants Iraniens

گستره با پیوند جنبش داشتجویی با جنبش نوین انقلابی خلقمان

تکنیک:

بيانیه

به مناسبت

روز دانشجو

دانشجویان مبارز ایران !

بار دیگر روز ۱۶ آذر "روز دانشجو" روزیکه
نوبت دهنده مبارزات پرشکوه دانشجویی است ،
فرا می‌رسد . دانشجویان کشور ما هر ساله برا ی
بزرگ‌اشت این روز تاریخی و بیار خاطره رفقا ی
شهید شان و برای افتخاری ماهیت شاه دیکتاتور
و رژیم وابسته‌اش برای برباری تظاهرات و اعتضابات
پرشکوه ، خود را آماده می‌سازند . ما یقین داریم
که امسال نیز چنین خواهد بود .

تظاهرات اخیر دانشجویان که نشان دهنده
خشم انقلابی آنها به رژیم دیکتاتوری شاه و مرکز
استثمار خلق تحت ستم بود می‌تواند سرآغازی

رژیم کودتا که با همکاری امپریالیست‌ها و دستیاران را خلیش توانسته بود مبارزات حق طلبانه خلق ما را سرکوب نماید، سعی راشت زمینه را برای غارت هرچه بینتر امپریالیست‌ها آماده نماید. اما رانشگاه چون دژ مستحکمی در مقابل تجاوزات بیگانگان و نوکران را خلیفان مقاومت می‌کرد.

این کودتا که با حمایت مادی و معنوی امپریالیست‌ها، بخصوص امپریالیسم آمریکا صورت گرفته بود، می‌بایست نتایج حاصله اش از نزد یک مورد بازدید قرار گیرد. بنابراین قرار نشدن نیکسون معاون رئیس‌جمهوری وقت آمریکا بایران بیاید، رانشگاه که همچنان تحت تاثیر حرکات جامعه قرار راشت و از همان ابتدا به مقابله با رژیم کودتا برخاسته بود، اینبار نیز پیشقد م بود. رانشجویان

برای تظاهرات پر شکوه این روز تاریخی باشد. رفقای رانشجو!

جنین رانشجویی کشور ما راه پر فراز و نشیی را طی کرده و تجربیاتی بس‌گرانبهای اندخته است. کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۶ که به شکست سازمانهای کارگری و ملی خلق زحمتکش ما منجر گردید، شرایط را برای تسلط رژیم دیکتاتوری که حامی منافع امپریالیسم و بورژوازی وابسته بود، آسان ساخت. از این پس کلیه سازمانهای سیاسی و ضد امپریالیستی میهن ما مورد تهاجم قرار گرفت و از هم پاشیده شد. در چنین فضای رانشگاه نیز، که همواره یکی از مراکز تجمع عناصر آگاه و مبارز جامعه بوده، مورد تهاجم قرار گرفت.

بنابراین در روز ۱۶ آذر ۲۰ نیروهای تیپ دو رزه‌ی
را برای سرکوبی تظاهرات به دانشگاه اعزام نمود .
دانشجویان مبارز ، قهرمانانه در مقابل تهاجم
نیروهای مزدور پایداری نمودند ، این مزدوران به
دستور شاه خائن آنان را به گلوله بستند ، در نتیجه
سه دانشجوی قهرمان بنامهای بزرگ نیا ، قندچی و
شریعت‌رضوی به شهادت رسیدند و تعزیز اداری
زخمی و دستگیر شدند . بدین ترتیب تظاهرات ،
پر شکوه و خونین دانشجویان سرکوب گردید و عمال
سیاه شاه در دانشگاه مستقر شدند .

اما این سرکوب و حسنه‌یانه چگونه می‌توانست عشق
بخلق و کینه و نفرت به دشمنان خلق را در سینه
انسانهای آگاه و پاکباز خاموش سازد ؟ !
دانشجویان مبارز و دلیر در روز ۱۸ آذر -

مبارز برای ابراز خشم و تنفس خود نسبت به امپریالیسم
آمریکا و رژیم واپسیه و برای نمایاندن ماهیت ضد
دیکتاتوری و ضد امپریالیستی مبارزات خلق ما ،
تظاهرات پر شکوهی بر علیه توطئه‌های امپریالیستی
برپا کردند .

در شرایطی که رژیم توانسته بود نیروهای
سیاسی مخالف خود را سرکوب نماید ، در شرایطی
که نماینده ارباب برای "پیروزی‌های حاصله و
امتیازات کسب شده " راهی ایران بود ، در شرایطی
که رژیم بیش از هر وقت دیگر خود را آماده مقابله با
هر حرکت مخالفی می‌دید ، برای حفظ حیثیت و
موقعیت خود در پیشگاه ارباب ، تصمیم گرفت برای
همیشه به تظاهرات دانشجویان خاتمه دهد و مراسم
استقبال از ارباب را با خیالی آسوده برگزار نماید .

دکتر اقبال ریاست خود را با ژست دموکراتیک مآبانه ای آغاز کرد . بدستور وی نیروهای انتظامی از دانشگاه اخراج شدند . این نمایشنامه ای اعماقی از طراحی اپریالیسم و بورزوایی وابسته انجام گرفت ، هدف خاصی را دنبال می نمود ، سرمایه دار وابسته که قصد بدست گرفتن حاکمیت سیاسی را داشت ، نیازمند حمایت نیروهای متقدی جامعه و ایجاد زمینه ای برای پیاره کردن نقشه های شوم خود بود . از این روی ایجاد شرایط بالتبه دموکراتیک و ایجاد امکان فعالیت نیروهای ملی مخالف دولت در دستور کار رژیم قرار گرفت .^(۲)

(۲) - این تنفس کوتاه فرصتی نبود برای رشد نیروهای متقدی در دانشگاه ، بطوریکه سالهای ۴۲-۳۹ را می توان پر شمر ترین سالهای مبارزاتی دانشگاه دانست .
در این سالهای مبارزات دانشجویان به اوج خود رسید و

همزمان با ورود نیکسون جانی ، تظاهرات پرشکوهی بمناسبت "سوم شهداء" برپا گردند . این تظاهرات علاوه بر اعتراض عمومی و برخورد های شدید با پلیس و نیروهای انتظامی مدل گردید . که در جریان آن صدها نفر زخمی و دستگیر شدند . از این پس حکومت نظامی به وحشیانه ترین شکل ممکن در دانشگاه اعمال می شد و تا ریاست دکتر اقبال مزدور ادامه داشت .^(۱)

(۱) - بطور کلی در سالهای پس از کودتا بعلت از هم پاشیدگی سازمانهای سیاسی و فقدان یک تشکیلات منضبط و مستحکم ، انرژی مبارزاتی دانشجویان درجهت درستی بکار گرفته نشد . مبارزات دانشجوئی که میباشد همواره پیوند هماهنگ خود را با سایر نیروهای خلق حفظ میکرد ، منفرد نبوده و در زیر ضربات دشمن بخاموشی گرایید .

شده است . در موقعیت جدید باز هم سازمان رانشجویان بود که متوجه رfrm شاه گردید و در مقابل آن شعاری بدین مضمون مطرح کرد « اصلاحات ارضی بله ، دیکتاتوری شاه نه » و آنرا بر سر ردرانشگاه آویخت .

کمیته رانشگاه با طرح این شعار نشان داد که با اصلاحات ارضی پشرطی که توسط نیروهای ملی و مترقب مطرح شود ، موافق است ولی نه با اصلاحاتی که بطور فریسکارانه از طرف دیکتاتوری شاه و بخاطر حفظ منافع امپریالیستها عنوان می‌گردد !

با این شعار سازمان رانشجویان خود را بمتابه پیشروترین و انقلابی ترین نیروهای موجود ضد دیکتاتوری در جامعه نشان دارد . از جمله حرکت‌های دیگری که در این سال‌ها توسط رانشجویان رانشگاه

رانشجویان رانشگاه به رهبری سازمان رانشجویان ، حماسه‌ها آفریدند ، آنها در جریان سیل جواریه و زلزله بوئین زهرا پیوند عمیق خود را با توده‌ها به ثبوت رسانده و با تظاهرات و میتینگ‌های خوش ، خواسته‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی جنبش خود را ابراز داشتند و نظام دیکتاتوری حاکم شاه را مورد حمله قرار میدارند .

این دوره تنفس‌گوتاه ، با اعلام رfrm ارضی و با دوباره سفت کردن بند‌ها پایان گرفت . با اعلام این شعار (Rfrm ارضی) نیروهای سیاسی دچار بیت‌زدگی شدند ، زیرا میدانند شعاری را که مدت‌ها عنوان میکردند از طرف خود رژیم مطروح

→ شکل سیاسی گرفت بطوریکه متجر به تشکیل « سازمان رانشجویان » گردید .

صورت گرفت و تظاهراتی بود که در ۱۵ خرداد سال ۴۲ در مقابل رانشگاه انجام شد. در این روز رانشجویان شعایری بر سر در رانشگاه تهران آویختند که مضمون آن اینچنین بود: "شاه جلاد و خون آشام خون خلق ما را می‌ریزد" و به این ترتیب حمایت خود را از مردمیکه توسط واحد های نظامی سرکوب می‌شدند، اعلام داشتند.

وارد تظاهرات بر علیه این طرح شدند. در جریان این تظاهرات تعداد زیادی از رانشجویان و رانش آموزان و مردم عادی دستگیر گردیدند. ولی بالاخره پس از روز شاه مجبور به عقب نشینی نشد و قیمت بلیط اتوبوسها روی نرخهای قبلی ثبت گردید و زندانیان آزاد شدند. با این همه عدد زیادی از بهترین نیروهای رانشجوئی روانه سریاز خانه‌ها شدند یا از تحصیل محروم گشته‌اند.

جنبش رانشجوئی از این پس بیشتر رنگ سیاسی بخود گرفت و فعالیتهای ضد رژیم و ضد امپریالیستی در رانشگاهها افزایش یافت.

پس از رستاخیز سیاه‌کل و آغاز مشی نوین انقلابی، جنبش رانشجوئی جان تازه‌ای بخود گرفت. هنوز چند ماهی از آغاز مبارزه مسلحانه

نگذشته بود که نیروهای رانشجوئی با الهمام از مبارزات پیشگامان مسلح خلق به میدان مبارزه - کشیده شدند .

در اوائل سال ۵۰ غریو پر شکوه هزاران رانشجو که فریاد می زدند "مرگ بر شاه" "درود به شهدای سیاهکل" ، "فرسیو مرگ مبارک" و "درود به کارگران شهید جهان چیت" ، فضای شهر را آنکه از مبارزه جوئی ساخته بود و به مردم امید می بخشید و از آغاز مبارزهای انقلابی بر علیه تمام غارتگریها ، تجاوزات و جنایات بیگانگان و نوکران را خلینشان در ایران آگاهستان می ساخت . اوج گیری عظیم رانشجویان همراه با شعارهای سیاسی به حمایت از جنبش نوین خلق ، رژیم را به وحشت افکند ، رژیم شاه با تمام قوا در صدر

سرکوب تظاهرات نوین رانشجویان برآمد و بعنوان جزئی از برنامه ای که از قبل تدارک دیده بود در روزهای ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ۵۰ ، مزدوران گارد شهریانی را روانه رانشگاه تهران و رانشگاه صنعتی نمود . در جریان حمله گارد مزدور به رانشگاهها ، عده زیادی از رانشجویان و استادان ضرب و مجروح و تعداد زیادی دستگیر و روانه زندان شدند پس از مدتی عده ای از دستگیر شدگان را به سریازی فرستارند .

رژیم شاه که اینک با موج تازه ای از مبارزات رانشجوئی مواجه شده بود ، در صدر برآمد که بخيال خود اقدامی اساسی و ریشه ای بمنظور آرام سازی رانشگاهها انجام دهد . بدین منظور در دوین کنفرانس باصطلاح آموزشی رامسر کسلر

و اخیرا در چارچوب رمکراسی شاهانه ! دست
بکار توطئه جدیدی برای جلوگیری از مبارزات حق -
طلبانه دانشجویان زده است .

رژیم با توجه به فشارهایی که برای دادن ،
اندک رمکراسی با وارد میشود ، همچون گذشته
با شیوه های رفرمیستی این پا به میان گذاشته و
با توطئه چینی در صدر منحرف نمودن جنبش دانشجو
- ئی کشور برآمده است . این توطئه با جشن
فارغ التحصیلی رانشگاه تهران آغاز شد . در این
جشن عده ای از دانشجو نمایان رانشگاه آنها یکه
ماهیت نهاد برای هر دانشجوی آگاه بخوبی روشن
است ، در خوش خدمتی سنگ تمام گذاشتند .
اینان بازیگران اولین پرده از توطئه های ضد
دانشجویی ، کارگردانی شده توسط رژیم بودند و

تایستان سال ۷۰ تشکیل شد ، طرح ایجاد گاردینیزه
رانشگاهها بمنظور کنترل و سرکوب طاوم جنبش
دانشجویی بتصویب رسید و شاه این امر را از طریق یک ،
صاحبہ مطبوعاتی با وقاحت تمام اعلام داشت .
بدنبال اوج گیری مبارزات دانشجویی تحت
تأثیر رستاخیز سیاهکل ، رژیم شاه دست به اقدام
برای محدود کردن فعالیتهای دانشجویی زد .
او بانحصار مختلف سعی میکند تا مبارزات سیاسی
دانشجویان را در هم کوپیده و در سطح
درخواستهای صرفا صنفی نگاه دارد . وی با تهدید
و تضمیع ، بصورت پیاره کردن سیستم گارد رانشگا
- ها و دستگیریهای وسیع ، بزندان کشیدن یا با
دادن وام و کمک هزینه تحصیلی . و شیوه های دیگر
سعی به ایجاد انحراف افکار دانشجویان دارد .

را "سازمان باصطلاح دانشجویی" وابسته به حزب
رستاخیز، زیر شعار "اخرج کار" از دانشگاهها
اجرا میکند.

براستی کدام دانشجوی آگاهی است که ماهیت
این خیمه شب بازی را که با مهارت تمام توسط رژیم
و سازمان سیا طراحی شده (و ابتدا توسط آن
دانشجونمایان در جشن فارغ التحصیلی وسیس توسط
این سازمان باصطلاح دانشجویی ابراز شده است)
در نیافته باشد؟!

واقعیت این است که جنبش دانشجویی با
اوج گیری مبارزاتش، دشمن را وارد اربه عقب نشینی
ساخته، حال برای منحصرون آن به هر
دستیهای متسلل میشود! این واقعیت را در سیل
پر خروش تظاهرات اخیر دانشجویان بوضوح میتوان

در حالیکه بیشتر مانه خون شهدای ۶ آذر راندیده
می گرفتند، سعی داشتند واقعه خونین و پرسکوه
این روز را که نمایانگر مبارزه جوئی و آگاهی دانشجو
ایرانی است، تحریف کنند و بگمان خود با بیان
کدب این واقعه موجب تحقیق دانشجویان گردند.
این خود فروختگان آیا در زیر پوشش این
سخنان پوچ میتوانند جنایات رژیم را که بارها و
بارها دانشگاه را مورد تهاجم قرار داده،
بچونانند؟ چگونه میتوان ضربات باتوم گارد مزدور
را نوازن جلوه داد؟!!

اما آنها غافلند که این خونها تا زمانیکه
این رژیم مزدور بر جامعه ما حاکم است، خواهند
حوشید و بذرکینه و نفرت را آبیاری خواهند کرد.
یک پرده دیگر از این خیمه شب بازیهای رژیم

کاریکاتوری از دموکراسی را به جامعه قالب بزند .
نتیجه این میشود که سازمان باصطلاح دانشجوئی
جای گارد رانشگاه را می‌گیرد و این بار فشار
بر دانشجویان توسط خود دانشجو اعمال می‌شود .
بین دانشجویان تفرقه اندازی شده و جناحهای
مختلف دانشجوئی بجان هم می‌افتد .

ما از همه دانشجویان آگاه و مبارز
دانشگاهها می‌خواهیم با این توطئه شاه
هونسیارانه برخورد کرده و با اعتراضات و اعتراضات
یکپارچه خویش ماهیت ضد دانشجوئی آنرا بر ملا
سازند و خواستار یک سازمان دانشجوئی واقعی که
تریبونی برای بیان خواستهای واقعی دانشجویان
است ، باشد . همچنین مانع از آن گردند
که آنچه را امپریالیسم در کشورهای دیگر

دید . جنبش دانشجوئی در روند دائم و یکپارچه
تظاهرات خود باید به محتوای توده‌ای حرکات
خود توجه لازم را بنماید .
این توطئه رژیم که با تحریف واقعه ۱۶ آذر
و شعار اخراج گارد از رانشگاه آغاز شده ، در واقع
پرده استاری است برای پوشاندن ماهیت ضد
دانشجوئی و ضد انقلابی این سازمان .
آنها یکه اندک شناختی از ماهیت رژیم حاکم بر جامعه
نمایند ، بخوبی آگاهند که شاه دیکتاتور هیچگاه
نمی‌خواهد و نمیتواند اندکی دموکراسی بدهد ،
چه تجربه تاریخی این امر را به او ثابت کرده است
که توده‌ها از اندک دموکراسی برای افشاء ماهیت
او و سرنگونیش استفاده خواهند کرد . پس شاه و رژیم
تنها با رسیسه چینی و رنگ عوض کردن می‌خواهند

رفقای دانشجو!

سالروز ۶ آذر که همواره برای ما فرمود
مناسیبی جهت گفتگو با دانشجویان بوده، فراموشیده.
اموال و ظلیف سنجینی را در گفتگو با ناما
احسان میکنیم، چرا که درباره سایر مسائلمان هم
نتوانستیم با شما سخن بگوئیم. ولی این بد ان معنی
نیست که در جهت برقراری ارتباط ضروری خود با شما
نکوشیده ایم.

در این دوره کار اساسی ما تحلیل و بررسی
حرکات سازمان براساس اوضاع و احوال اقتصادی
اجتماعی و سیاسی جامعه بوده است تا بتوانیم
حرکت خود را در رابطه با تغییر و تحولات تکامل
بخشیم. که روشن است نارسائی ها و معضلات

بوجود آورده (منظور در گیریهای است
گه بین دانشجویان باصطلاح
چهی و راستی وجود دارد)
در گذشته نیز بوجود آورده.

• گرامی بار خاطره شهدای دانشجو
• بر قرار بار پیوند جنبش دانشجویی با تولد های
رحمتکش

• نابود بار توطئه های شاه و امپریالیزم در ایران

می کنیم .

وقتی جنبش نوین انقلابی شیوه ظفر نمی‌سوند
بارزه مسلحه را در جامعه طرح کرد بخاطر آنکه
پاسخگوی ضرورت زمان بود با استقبال بی نظیر
نیروهای انقلابی بالفعل مواجه گشت و ظلم سال‌ها
انتظار و بی عملی با سیل این انقلاب بیون شکست
اما بخاطر کم تجربگی در امور سازمانی و تشکیلاتی
نیروهای موثری که نقش رهبری جنبش نوین را ایفا
می‌کردند ، عمدتاً بشهادت رسیدند و در شرایطی که
جنبش انقلابی بمتابه پیروزی بر رویه فرصت طلبانه
بمنته ظهور رسیده بود ، موجب شد که عده‌کثیری از
جوانان انقلابی با زمینه تئوریک ضعیف و از لحاظ
سیاسی تشکیلاتی بی تجربه به جنبش بپیوندند .
بنابراین به کم تجربگی سازمان انقلابی نویا ، ضعف

بسیاری توانسته است ، این حرکت را کند کرده
و تدوین و انتشار جمعبندی آنرا به تعویق اندازد .
معهذا قبل از انتشار این جمعبندی لازم شد تا
پیام خود را بگوش دانشجویان انقلابی و رزم‌دگان
جنبش دانشجویی برسانیم . بنابراین پیام ما نهیتواند
گویای کلیه مسائل و ضرورت‌های موجود باشد .
در این گفتار با تحلیل فشرده‌ای از حرکت
کلی سازمان ، ضمن طرح برخی از انتقاداتی
را که از خود داریم به بازنگاری مختصری از فرم و
محتوای مبارزه مسلحه می‌پردازیم و با اشاره‌ای
به استراتژی مرحله فعلی جنبش انقلابی وظایف
جنبش دانشجویی را مطرح خواهیم کرد .

اراده تحلیل جامع‌تر این موارد را در
جمعبندی تحلیلی خود ، به آینده نزدیک موكول

دستگاه حاکمه در مقابله با جنبش، می‌دانستند !
 اینچنین برداشتی، که حکایت از کوتاه بود ن
 پرسه " تبلیغ مسلحانه " را رد نمیتواند به تاکتیک‌های
 که شمره‌اش در راز مدت بدست می‌آید، بهاء‌لازم
 را بدهد ! سازماندهی نیروها را آنچنان ترتیب
 دهد که در مقابل یورش‌های مرگبار، حیاتش بخطر نیافتد
 یا معیارهایش برای گزینش اعضاء آنچنان باشد که
 انرژیش را در رابطه با آنها به هدر ندهد ! ضوابطی
 که برای استحکام تشکیلاتش قائل می‌شود، حقیقتاً
 آنرا تامین کند ! و ...
 اینها همه از آن ناشی می‌شود که با تئوریهای
 اولیه برخورداری خلاق نکردیم و صرف ایمان به ضرورت
 اعمال قهر، شکل محدود، تلاش خود را صرف پاسخگوئی
 به این ضرورت نمودیم . شکل محدود این تلاش

تئوریک و نارسائی‌های ایدئولوژیک آن افزوده شد .
 با این وضع نمیتوانستیم به تحلیل مدام از اوضاع
 بیرونی ازیم و بررسی‌های اقتصادی - اجتماعی
 و سیاسی رفقاء آغازگر، را که اساس حرکت‌سازمان
 برآن استوار بود، مورد انتقاد قراردهیم و مطابق
 با تغییر و تحولات جامعه آنرا تکامل بخسیم .
 تحلیل سازمان مبتنی بود بر فراهم بود ن
 شرایط "عینی انقلاب" (که از سوی رفیق مسعود
 احمدزاده، در جزوی تئوریک سازمانی یعنی
 "مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک" مطرح
 گردیده بود) یعنی توده‌ها آمادگی این را راند
 که به ندای پیشناز مسلح پاسخ مثبت دهند .
 رفقاء با چنین تحلیلی، رویای سیاسی جامعه
 یعنی دیکتاتوری و فشار و اختناق را ناشی از ناگزیری

رفقای رهبری نخستین رفقاء بودند که
به این نارسائی بی برند . منتها ، اقدام قاطعی
جهت طرح و تبیین این موضوع بعمل نیاوردند !
ولی این مسئله ، راه نفوذ اندیشه های رفیق جزئی
را به سازمان باز ترکرد (چرا که تحلیل های رفیق
جزئی میین این حقیقت بود که شرایط عینی انقلاب
فراهرم نیست) و از آنجا که در عمل صحت و اهمیت
تئوریهای رفیق جزئی مشخص گردیده بود ،
توانست در سازمان نقش کاتالیزوری پیدا کند . ولی
همچنان ارج غیر لازمی به تئوریهای نا کافی اولیه
گذاشته میشد و دید قبلی خود را حفظ میکردیم ! تا
اینکه سرانجام واقعیت تلغی ضربات سال پنجاه و پنج
جایی برای دوگانگی موضع باقی نگذاشت و بالاخره
در مبارزه پیگیر ایدئولوژیک درون سازمان —

ناشی از شناخت محدود ما از محتوای مبارزه
سلحانه به مفهوم واقعی آن بود .

اگر چه در پروسه حرکت سازمان عینیاتی میدیدیم
که حکایت از فراهم نبودن " شرایط عینی انقلاب "
داشت ، معندها بر سراین اعتقاد که شرایط عینی
انقلاب فراهم است همچنان حرکت میکردیم و این
تضاد را بر اساس ایمان کلی به پیروزی راهنمان نادیده
می گرفتیم ! حال آنکه در برخورد با عینیتی که
نقش تئوری ما را روشن میسازد ، میایست باشهاست
مارکسیستی - لنینیستی برخورد کرد . ما بخاطر
اینکه شجاعانه رست به انتقاد از خود نزدیم ،
نتوانستیم تئوری خود را تکامل بخشیم و بر اساس
واقعیت گام برد اریم .

نا حد زیاری به جنبش مسلحانه آسیب وارد آورده . حالا برای گزینش اعضاء معیارهای متناسبی قائل شده ایم . در مبارزه ایدئولوژیک سخت و پیگیر درون سازمانی ، توانسته ایم به وحدت بی سابقه ای دست یابیم . درجهت پاسخ گفتن به ضرورت ایجاد پایی دوم جنبش ، یعنی حمایت و رهبری صارزادت سیاسی - صنفی می کوشیم .

با چنین پشتوانهای میتوانیم بگوئیم : با ایمان به پیروزی راهمنان سایر نارسائیها را بر طرف خواهیم کرد و با تحلیل مداوم از شرایط ، حرکت سازمان را درجهت توده ای - کردن مبارزه مسلحانه هدایت میکیم .

چپ روی * سازمان (یعنی همان دیدی که پرسه تبلیغ مسلحانه را کوتاه میدید و خلاصه

تشزیهای رفیق جزئی بعنوان رکن اساسی و رهنمون فعالیتهای ما شناخته شد .

در این نقطه عطف ، کتب تئوریک رفیق برای بازنگشتنی مبارزه مسلحانه و کسب آنگاهی عمیق از استراتژی و تاکتیک در دستور مطالعاتی سازمان قرار گرفت و مجموعاً با تجزیه تحلیل همه جانبه ای از اوضاع گذشته ، توانستیم به خطاهای خود تا حد زیاری بی ببریم و برنامه آینده خود را با اسلوب صحیح و براساس واقعیات بی ریزی کنیم .

ما در این پروسه دست آوردهای بسیاری به کف آورده ایم و میتوان گفت : در حال حاضر در ای تجارت غنی مبارزاتی هستیم و مفهوم مبارزه مسلحانه را وسیعاً درک کرده ایم . ما بخوبی دریافتیم که در گذشته دچار "چپ روی " بوده ایم و این مرض

جنبشنوین را وسیعاً بین روش‌نگران و نیروهای مبارزه،
جو منتشر کنیم و با تربیت ایدئولوژیک این نیروها،
راه نفوذ تبلیغات اپورتونیستی را سد کنیم و نگذاریم
نیروهای انقلابی طعمه دام انفعال اپورتونیستها
گردند. درست است که امکانات محدود ما مانع
انجام چنین وظایفی می‌شوند، ولی همان توانی را هم
که راشتیم در راه درست بکار نگرفتیم، در نتیجه
سنجدیده گام بزرگ داشتیم.

استقبال نیروهای مبارزه جو، ما را غره کرد و بالطبع
در سازماندهی آنها عجلانه برخورد کردیم.
عملیاتی که اهداف جنبش را تبلیغ می‌کرد بینتر از حد
لازم صورت گرفت و عمدتاً، تاکید آن بر فرم مبارزه
صلحانه بود تا محتوای آن. ترویجی که در این رابطه
میایست صورت گیرد، بسیار کم بود.

با مسائل مبارزانی عجلانه برخورد می‌کرد) چه در درون
سازمان و چه در نیروهای انقلابی سهادیزان جنبش
تأثیرات سوئی گذاشت. در درون سازمان پایه‌های
تشکیلاتی و مناسبات کمونیستی نمیتوانست قوام یابد و
ثبتات بگیرد، حرکات بیرونی که عومنان نیروها را تهییج و
تشجیع می‌نمود، نمیتوانست عناصر انقلابی را آموزش دهد
و آگاه سازد. بدینهی است شور و شوق تنها هر قدر
هم زیاد باشد نمیتواند پاسخگوی نیاز مبارزه، آنهم
در چنین شرایطی باشد چراکه بیشتر از هر زمان اساساً
به مفرز آن داشتند نیاز دارند.

نیروهایی که تحت تأثیر عملیات چشمگیر چریکی
تهییج می‌شوند، باید متناسب با آن، آگاهی کسب
کرده تا ضرریت مبارزه این چنینی را درک نمایند.
این وظیفه ما بود که همراه با عملیاتمان اهداف

خودش مورد حمله قرار دهد . و اشتباهات تاکتیکی و ضعفهای آنرا ، دلیل بر اشتباه بودن (مشی انقلابی) قلمدار کند ! آنها ما را ماجراجو آنارشیست و کلا توپه گر معرفی کرده و میکنند ، آنها بدون شناخت از اعتقادات و تئوریهای جنبش (هرچند از درک آن عاجزند) ، سعی در بی حیثیت ساختن جنبش دارند . غافل از اینکه سالیان درازیست که ماهیت آنها ، حنایشان را بی رنگ کرده است . معنداً ما مفهوم مبارزه مسلحه را که در حال حاضر محتوای تبلیغاتی دارد ، در اینجا تشریح میکنیم تا بر اساس شناخت واقعی از آن ، نیروهای انقلابی و مشخصاً رفای را نشجو ، به ماهیت حملات اپورتونیستها بی ببرند و در افشاء و مبارزه با اپورتونیزم ، عمیق تر و آگاهانه تر عمل کند با طرح دو سؤال آنرا تشریح میکنیم :

مجموعاً بخاطر کم کاری در زمینه اشاعه تئوریهای جنبش مسلحه و تحلیل اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی که مبانی استراتژی ما بر آنها استوار است باضافه خط اساسیمان فرصت مناسبی برای تبلیغات اپورتونیستی (منی بر تحریف اهداف جنبش) فرا هم ساختیم . هر چند اپورتونیسم نمیتواند بنحو دلخواهش از شرایط بهره برداری کند ، ولی توانست نیروهای بسیاری را در وضعیت بینا بینی و بلا تکلیفی نگاه دارد ، شور و شوق آنها را بگیرد و به افعال و تسلیم طلبی بکشاند .

خروش انقلابی جنبش نوین که خواب زمستانی اپورتونیستها را بر هم میزد ، آنها را به مقابله با آن و میدانست . آنها سعی داشته و دارند در قدم اول جنبش نوین را با تیز خط‌کاریهای

حال حاضر هدف عملیات مسلحانه تبلیغ و آگاه سازی است، و خود مرحله تدارک مبارزه مسلحانه توده‌ای محسوب می‌شود. بهمین جهت آنرا، تبلیغ مسلحانه، نیز گفته ایم. برای چنین مبارزه‌ای که انقلاب را تدارک می‌بینند، لازم نیست که شرایط عینی انقلاب فراهم باشد، (یعنی توده‌ها کارد به استخوانشان برسد و دستگاه حاکمه نتواند برای ادامه حیاتش ابتکارات موثری بکار گیرد) ولی برای دست زدن به چنین مبارزه‌ای شرایط و موقعیت معینی ضروری است. ببینیم درکشید ما چه عواملی مبارزه مسلحانه را ضروری ساخته است:

- وجود نارضائی مردم از شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه که حاصل سیستم طبقاتی سرمایه‌داری وابسته و رژیم دیکتاتوری است.

اول - مبارزه مسلحانه چه مفهومی دارد؟
دوم - چه عواملی در ایران این شکل از مبارزه را ضروری ساخته؟

- مبارزه مسلحانه بمعنی عام یعنی اعمال قهر بهر شکل علیه دشمن، درکشید ما، مبارزه مسلحانه شکلی از مبارزه است که اساساً متکی بر اعمال قهر بر ضد دشمنان خلق است، ولی در مجموع سایر اشکال مبارزه را ضروری و مکمل حیاتی خود میداند (مبارزه مسلحانه درکشید ما با تمام اهمیتش راه‌گذای سایر مبارزات محسوب می‌شود). در مرحله فعلی که عملیات مسلحانه از طرف پیشتاز مسلح صورت می‌گیرد، با توجه به محدودیت کمی این جریان، در مقایسه با نبرد توده‌ای که پروسه‌اش به نابودی سیستم حاکمه منجر می‌گردد، مادیتا تفاوت دارد. چراکه در

مورد بررسی قرارگرفته و تجارب سی ساله مبارزات اخیر ایران و نتایج تاکتیکهای جنبش‌طی این سالها نیز مورد توجه اساسی بوده و در رابطه با موقعیت جهانی و تجارب انقلابات سایر خلقو، تاکتیک مسلحانه را به مثابه تاکتیک اساسی و عده که در طول تدارک انقلاب اهمیت محوری خود را حفظ خواهد کرد، اتخاذ نموده است.

برای مبارزه مسلحانه بعنوان تاکتیک علاوه بر عوامل زیربنایی، عوامل رونایی نقش مهمی ایفا می‌کنند، بنابراین ما روی این عوامل حساب کرده و می‌کیم:

۱- تعیین نیروهای بالفعل مبارزه، یعنی نیروخانی که میتوانند در وهله اول، برای پیاده کردن برنامه‌ی مبارزه مورد استفاده قرارگیرند.

ـ جلوگیری از هرگونه حرکت توده‌ای، بوسیله ریکاتوری آشکار و اعمال خشونت‌بی ساقه که مانع رشد و گسترش مبارزات مسلط آمیز گردیده. (اینها پایه‌های اساسی عواملی است که ضرورت مبارزه مسلحانه را ایجاد کرده است.)

جنش انقلابی مسلحانه براساس بررسی عمیق از موقعیت اجتماعی و اقتصادی و با توجه به مرحله تاریخی جامعه، پس از تعیین تضادهای عمد هونیرو-های انقلاب و ضد انقلاب، استراتژی خود را که انقلاب موکراتیک توده‌ایست اعلام کرده و هدفنبرقراری - ر موکراسی خلق است. پس از تعیین این استراتژی، در جهت پیاده کردن آن کلیه عوامل حاکم برجامعه و نیروهای متخاصم آن یعنی مجموعه عوامل عینی و نزهتی

باید تاکتیکهای اتخاذ نمود که تاکتیکهای عده دستگاه حاکمه را خنثی کرده و بتواند توده‌ها را بسیج کرده و بسوی انقلاب بکشاند (که در این میان قربانیانی هم خواهیم دار .)

۳- یافتن موثرترین فرم تشکل و توجه به تمایلات و انگیزه‌های زهنه نیروهای انقلابی ، یا بعبارت دیگر ، بهترین شکل ممکن و ضروری تشکل که قادر باشد به اهداف جنبش جامه عمل بپوشاند .
در این رابطه تجارب مبارزات ناگام گذشته جامعه را میتوان با مبارزات ظفرنمن مسلحانه معاصر ، که در سطح جهان بظهور رسیده مقایسه کرد ، چه کسی میتواند منکر عیت بودن تاکتیکهایی که پس از ۲۸ مرداد ۱۴ حزب توده و جبهه ملی برای مقابله با دستگاه حاکمه در پیش گرفتند ، گردد؟ آیا فرم

بعبارت دیگر این نیروها در حال حاضر " اهرمی " محسوب میشوند که بدین وسیله میتوانیم بـ " اهرمی " اصلی رست یابیم ، و هدف از این بکارگیری ، آماده سازی و تجهیز نیروهای بالقوه است .

۴- توجه به تاکتیکهای دشمن که در مقابلـ با جنبش ترقیخواهانه در پیش میگیرد ، موضوعی است که نمی‌گذرد کورکورانه و یکطرفه تاکتیکهای نارسای خود را اراده دهیم . در شرایطی که امکان هرگونه فعالیت سیاسی از نیروهای اپوزیسیون («الـ فـ رـ زـیـمـ») سلب شده است و مبارزات محدود (گروهی سیاسی) که سالم است باشد عمل دستگاه حاکمه روی رو میشود و متلاشی میگردد ، ما نمیتوانیم و حق نداریم ، همچنان به این تاکتیک متول شویم .

است .

بنابراین : اولاً تاکتیکهای مسلحانه در طول جریان مبارزه دگرگون شده ، از صافی ، تحریه می‌گذرد و مرحله به مرحله تکامل می‌یابد .

ثانیا : این تاکتیکها بعنوان محور کلیه مبارزات ما بحساب می‌آید . یعنی سایر تاکتیکها فقط در رازای اراده و تکامل تاکتیکهای مسلحانه در ارای ارزش و تاثیر می‌باشد .

ثالثا : هدف از بکار بستن ، این تاکتیکها نه واژگون ساختن بلا فاصله رستگاه حاکمه ، بلکه تجهیز و تدارک انقلاب و بسیج توده هاست .

ما در توضیح این اصل متذکر می‌شویم که هیچگاه جنبش مسلحانه مدعی نبوده است که با توسل به این تاکتیکها ، رستگاه حاکمه را واژگون و دیکتاتوری

تشکی که بیش از بیست گروه سیاسی را طی سالهای ۳۵ تا ۴۹ بدام پلیس اند اخت ، میتواند فرم مناسبی برای تشکیل نیروهای مبارز باشد ؟

با انتکاء به این ارزیابی ها جنبش مسلحانه ، گروه و سازمان (سیاسی - نظامی) را بهترین فرم ممکن و ضروری برای سازماندهی نیروهای انقلابی در شرایط حاضر می‌شناسند . و مبرترین وظایف آنرا ، عملیات (سیاسی - نظامی) و تاکتیکهای چریک شهری اعلام کرده است .

این نحوه تعیین تاکتیک براساس واقعیت شناخته شده و تجارب عملی شناختی است مبنی بر مارکسیزم - لنینیزم خلاق یعنی مارکسیزم - لنینیزم که در عمل با واقعیات موجود مطابقت داشته و بمتابه حریهای موثر در کشاکش راه انقلاب بکار گرفته شده

- وحدت سیاسی - نظامی تمام نیروهای انقلابی ، همه و هد تنهای در صورت توده‌ای شدن مبارزه می‌خواهد بود . ما باز هم اعلام می‌کنیم که :

- در مرحله فعلی توده‌ها نمیتوانند مستقیماً در عملیات نظامی شرکت کنند ، یعنی انتظار نداریم زحمتکشان و خرد و بورژواها بشکل توده‌ای ببارزه مسلحانه روی آورند ، مثلاً با تشکیل هسته‌های سیاسی - نظامی به جنگ چریکی دست بزنند .

- جنبش مسلحانه نه تنها از هرگونه مبارزه عمومی بصورت اعتراض و اعتراض اقتصادی و سیاسی مردم استقبال می‌کند ، بلکه اساساً با تاب مبارزات مسلحانه خود را در ظهور چنین جنبش‌هایی می‌بیند و در جهت رشد و گسترش آن گام بر میدارد .

- در شرایطی که جنبش مسلحانه دارای قدرت

خلق را برقار می‌سازد . (این دشمنان جنبش مسلحانه‌اند که چنین تبلیغاتی را علیه جنبش مسلحانه رواج میدهند) صحبت ما همیشه از تدارک مسلحانه انقلاب - تبلیغ مسلحانه و مقاهم مانند آن بوده است ، هیچگاه نقش توده‌ها بخصوص زحمتکشان در انقلاب تخطیه نشده است . بحث ما همواره بر سر چکونگی آگاه سازی و تجهیز و سازماندهی نیروی انقلاب زحمتکشان و قدرت سیاسی و ایدئولوژیک این طبقه بوده است ، که باید در یک انقلاب توده‌ای به حاکمیت برست .

ما گفته‌ایم و می‌گوییم : مبارزه مسلحانه یا تبلیغ مسلحانه ، تنها راه تدارک انقلاب در جامعه ماست . تکامل آینده جنبش و رسیدن به یک جبهه‌ها آزادی بخش خلق - ایجاد رهبری جامع برای همه نیرو

بلکه یارو یا ور این جنبش بوده و زمینه رشد و تکامل جنبش انقلابی محسوب می‌شود.

حال با این شناخت از مبارزه سلحانه میتوانیم درباره استراتژی مرحله فعلی جنبش سخن بیان آوریم و خطوط حرکت آتی خود را روشن کنیم.

اساساً با تشخیص و تعیین تضادهای عده، نیروهای انقلابی و ضد انقلابی است که می-توانیم برنامه یا استراتژی خود را تعیین کنیم.

در هرجامعه تضادهای بسیاری وجود دارد، ولی برای کسانی که میخواهند در جهت رشد و حل مسائل جامعه یعنی تکامل آن گام بردارند، شناخت تضادهای که نیروهای جامعه را در پشت سر خود دارند، ضرورت دارد. مارکسیزم - لنینیزم به ما

کافی برای پر کردن خلاء رهبری در جامعه نیست. به علل تاکتیکی نمیتواند مستقیماً سازماندهی این مبارزات و اعتراضات توده ای را بر عده بگیرد. لیکن از عناصر مبارزی که قار ر نیستند مستقیماً در مبارزه سلحانه شرکت جویند، میخواهد (در حالیکه سازمانهای سیاسی - نظامی با فد اکاری دشمن را زیر ضربه گرفته اند) با تشکیل هسته های سیاسی - صنفی از هر صنف و گروه شغلی برای احراق حقوق اقتصادی و اجتماعی خود، دست به مبارزات اقتصادی اجتماعی و سیاسی بزنند.

لازم به یارآوری است که این هسته ها هیچ ارتباط و تشابهی به گروه های سیاسی کارکذائی نداشته و مستقیماً مبارزات وسیع صنفی را تدارک میبینند. این مبارزات نه تنها مغایر جنبش سلحانه نیست

با دولت چیانکایچک پروسه جنگ توده‌ای را طی کرد و به حاکیت خلق و برقراری حکومت دموکراتیک توده‌ای انجامید.

گفتم که جنبش مسلحه در کشور ما، با تحلیل لازم از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، هدف نهائی خود را "دموکراسی خلق" بوسیله مبارزه مسلحه توده‌ای تعیین نموده و با توجه به ویژگی‌های جامعه که همانا، دیکتاتوری فاشیستی، خمودگی تاریخی روحیه توده‌ها و بی شربودن فعالیتها (گروهی-سیاسی) تاکتیک مسلحه را جهت رسید به هدف نهائی خود (یعنی مبارزه مسلحه توده‌ای و برقراری دیکتاتوری خلق) اتخاذ کرده است. لیکن می‌گوید: چون بدون سرنگون کردن قبلی "تزاریزم" سرنگون کردن سرمایه‌داری غیر ممکن است.

می‌آموزد که همواره در میان تضادهای یک جامعه، یک تضاد عمدی است، تضاد عمدی تضادی است که به درجه‌ای رشد یافته که دیگر تضادها را تحتالشعاع خود قرار دارد است، بدین معنی که اراده رشد و حل و فصل سایر تضادها از کanal حل این تضاد عمدی، میسر است. مثلاً در مرحله‌ای از انقلاب چین، که تضاد عده‌ی خلق چین با ارتیاع را خلی بود، بر اثر تجاوز ژاپن، تضاد عده‌ی خلق چین با متجاوزین ژاپن شد، و مادا م که ژاپن شکست نخورد و بود این اتحاد ملی علیرغم تضادهای درونی اش، و ام آورد. سپس تضاد خلق (یعنی کارگران و هقانان، خرد بورژوازی و...) با قوادها، کمپارادورها، و اصیریا لیزم آمریکا و متحدانش عده ند و بصورت مبارزه خلق تحت رهبری کمونیستها

اگر بخواهیم محتوای مرحله فعلی جنبش انقلابی را تعیین کنیم ، باید بگوئیم : " جنبش ضد دیکتاتوری شاه " در عین حال توجه راشته باشیم که دیکتاتوری شاه با سلطه امپریالیزم و موجودیت سیستم سرمایه- داری وابسته وحدت ارگانیک دارد .

با تحلیلی از موقعیت رژیم در رابطه با وابستگی اقتصادی و سیاسی آن به امپریالیزم میتوان دیکتاتوری شاه را وجهی از کل تضاد خلق با امپریالیزم و بورژوازی کمپارادور نامید . این وجه از تضاد در حال حاضر تضاد عمدۀ جامعه ماحسوس می‌شود . با شناخت از این تضاد عمدۀ است که می‌توانیم بروز امپریالیستها و بورژوازی کمپارادور بطور موثر مبارزه کنیم . به زبان بهتر ، برای مبارزه با امپریالیزم وكل سیستم ، اساساً باید از کانال -

از اینرو وظیفه عده حزب در موقع کنونی عبارت از آنست که در مبارزه علیه تزاریزم طبقه کارگر را برانگیزد و همه خلق را به رستاخیز درآورد و جنبش انقلابی خلق را برضد تزاریزم بسط و توسعه دهد و تزاریزم را که مانع نخستین وجودی در راه سوسیالیزم است پراند ازد ، (بروزگیرین هدف ما برآند اختن تزاریزم و برپا ساختن نظم دموکراتیک است)

دست یافتن به هدف نهائی ، مستلزم گذار از مراحل مختلفی است . یعنی در این پروسه برادر تغییر و تحولات جامعه (سوای تضاد اساسی) تضادهای عده میشوند که بدون حل آنها قادر به پیش روی درامر تحقق استراتژی نخواهیم بود . پروسه حل هر یک از این تضادها را استراتژی مرحله‌ای میگوئیم .

که شعارهای سیاسی ضد دیکتاتوری باید با شعارهای اقتصادی که به مسائل روزمره هر طبقه، قسرياً صنف مربوط میشود، تلفیق گردد. جنبش باید زندگی مردم و نیازهای صرم آنها را مورد توجه قراردهد و با تمام امکانات موجود بکوشد تا مردم را باعتراضها و مطالبات اقتصادی بکشاند. این نه یک وظیفه فرعی، بلکه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

بنابراین مبارزه مسلحه در حال حاضر جنبشی است ضد دیکتاتوری و مرحله ای است از جنبش رهایی خش مردم که با انتکاء به شعار حیات دهنده سرنگونی دیکتاتوری فردی شاه و تأکید بر خواستهای اقتصادی مردم میکوشد نیروهای انقلابی خلق را بسیج کرده و رهبری آنان را در یک انقلاب دموکراتیک توانهای بر عهده گیرد.

مبارزه با دیکتاتوری شاه عبور کنیم. دیکتاتوری شاه، سد راه مبارزه خلق است و بدون مقابله با آن قادر به پیشبرد اهداف استراتژیک خود نخواهیم بود. خلق زحمتکش ایران در زیر فشار دیکتاتوری شاه ناگزیر به زندگی دشواری تن در دارد است و حتی اعتراض یا هر کوششی برای بهبود وضع اقتصاد یعنی از روی سلب شده. ولی مادرانم که اعتراض نکند و در جهت احراق حقوق خود، دست به حرکت نزنند از درک ملعوس اختناق و ماهیت دیکتاتوری محروم می‌مانند.

چهره خشن و ماهیت دیکتاتوری رژیم را وقتی لمس می‌کند که خود، سرنیزه رژیم را روی سینه اش لس می‌کند. و همینجاست که جدی بودن اختناق و ضرورت مبارزه با رژیم را درک می‌کند. از اینروست

بدینگونه می‌بینیم که مشی جنبش انقلابی در این مرحله، تلفیقی است از اشکال نظامی سیاسی و اقتصادی مبارزه که در آن شکل نظامی نظر اساسی و محوری را بازی می‌کند.

بنابرگ فتن تاکتیک‌های سالمت‌آمیز در کنار تاکتیک‌های نظامی صرفاً از جهت تقویت تاکتیک‌ها و نظامی اهمیت ندارد، این تاکتیک‌ها نقش مهمی در فعال کردن توده‌ها و پیوند را در پیشاهنگ به توده دارد.

در شرایطی که حرکات انتراضی و سطالتانی مردم پراکنده و با فاصله طولانی و بدون جهت واحد و معین و آنهم در مقیاس‌های کوچک بچشم میخورد و در برابر اعمال قهر ضد انقلابی رژیم سرکوب گردیده و توده‌ها را به نامیدی میکشاند، مبارزه جوئی

و اعمال قهر نیروهای پیشو ا قادر است توده را از نومیدی مطلق و تسليم بازدارد. حرکات مردم را وسعت بخشد و از این حرکات موضعی پراکنده یک جنبش عمومی بر ضد رژیم بوجود آورد.

از این حیث اعمال تاکتیک‌های نظامی در برابر تاکتیک‌های سیاسی و اقتصادی نقش تعیین کننده و محوری دارد. چرا که بدون آن رژیم قادر راست همواره مبارزات سیاسی و اقتصادی را با اعمال قهقهه خشونت سرکوب کند. (لازم به توضیح است که سیستم تحت سلطه امپریالیزم، بخارط و استگی اش ناگزیر است بشیوه دیکاتوری حاکمیت خود را اعمال کند. یا بعبارت دیگر سیستم موجود خصلت ادیکاتوریست بنا بر این مبارزه مسلحانه در تمام مراحل حتی در شرایطی که رژیمه اشکال شبیه -

وظایف رانشجویان انقلابی و جنبش رانشجوئی

سازمان ما ، از آغاز فعالیتهای خود تا با مرور
 (صرف نظر از کوتاهی هایش) در رابطه ای نزدیک
 با جنبش رانشجوئی به حرکت انقلابی خود ادامه
 داده و همواره رانشجویان مبارز سهم عظیمی در
 بارور ساختن جنبش انقلابی ، با شجاعت و صمیمیت
 همکاری نموده اند .

وظیفه آموزش ، راهنمائی و پیشتبانی از جنبش
 رانشجوئی برای جنبش مسلحه مسئله ایست حیاتی
 وجودی . اگر تاکنون نسبت به انجام این وظیفه
 کوتاهی را نداشتم ، به آن واقفیم ، ولی انتظار داریم
 رفقای رانشجو با واقع بینی ، موانعی را که سد راه
 ما بوده ، در نظر را شتہ باشند . ما نیز به سهم

دموکراتیک بطور موقت متوسل شود ، اهمیت
 اساسی خود را حفظ خواهد کرد . (۱) از اینروست
 که مبارزه مسلحه را محور استراتژی جنبش
 رهایی بخش میهندان می نامیم .

خویش از خود انتقاد میکنیم و میکوشیم در رابطه‌ای نزدیکتر، کمکاریهای خود را جبران کنیم.

در این باره متذکر میشویم که رفقای دانشجو بر این اساس که قادرند به تجرب و توان جنبش بیفزایند، بد ون انتظار غیرلازم، میایست فعالانه به مبارزات خود ادامه دهند و پایه پای آن قابلیتها نظری و عملی خود را بالا ببرند. یعنی فعالیت اتفاقی خود را نمی‌بایست موكول به ارتباط‌گیری با سازمان کنند. زیرا در حال حاضر خطوط اصلی حرکت ما روشن است.

وظایف جنبش دانشجویی که اساساً افشاگری رژیم جناحیتکار و تبلیغ و توضیح آرمانهای جنبش نوین مسلحه است باید در هر شکل و مقیاس حاوی و مبلغ منی مسلحه باشد.

برای انجام این وظیفه، رفقای دانشجو بطرق مختلفی میتوانند عمل کنند. چه از طریق هسته‌هایی که تشکل لازم را دارند و چه از طریق کانال محفلها. میتوان در جهت افشاء جنایتکاریهای رژیم و توضیح و شناساندن جنبش‌نوین مسلحه به مثابه تنها راه مبارزه ممکن و ضروری دست به فعالیت زد.

اگر تا دیروز (که یک سازمان و تشکیلات واقعاً انقلابی وجود نداشت) بیان مردم رفت و آگاهسازی توده‌ها، خرد کاری به حساب می‌آمد امروز جنبش مسلحه‌ای وجود دارد که میتوان و می‌بایست در رابطه با آن همه جریانهای خرد و کلان درجه‌تی واحد یعنی برای مقابله با دیکاتوری شاه تشکل یابند. باید بخاطر داشت که چنین مبارزه‌ای نمیتواند با کار سیاسی صرف مقایسه گردد. چرا که ماهیتا

میتوان جلب و بسیج کرد . با ارزیابی تاریخی و اجتماعی از روحیه خلق وطنمان و واقعیت موجود می بینیم تشكیلاتی که بتواند توده های مردم ما را جلب و بسیج نماید ، تنها تشكیلاتی است که علاوه بر قدرت ایدئولوژیکی ، توان پشتیانی از توده ها را در مقابل اعمال دیکاتوری رژیم داشته باشد . چنین منظوری را در وطن ما ، تنها یک تشكیلات سیاسی - نظامی میتواند تامین کند . دیگر با حرف و شعار نمیتوان توده های مردم را به مبارزه کشید . فریبکاری است که بخواهیم با سلاح زنگ زده ای چون "کار سیاسی صرف خود را پیش آهنج و ناجی خلق بنامیم . در تاریخچه سی ساله مبارزات اخیر ایران ، می بینیم تنها در سالهای ۳۵ تا ۴۰ بیش از بیست گروه سیاسی کار ، بد ام پلیس افتاده اند ! آیا بازهم

با هم متفاوت هستند و بصرف تشابه صوری نمیتوانند یکی قلمداد شود ، منسق مسلحانه که ابتداء خطا بطلان بر روی چنین فعالیتهای بسی ثمری کشیده است ، امروز نیز معتقد است که کار سیاسی صرف تاکتیک بیهوده مایست و عمل آنرا خرد کاری میداند . نه بدین معنی که امکان پذیر نیست . ما معتقدیم که در شوارترین شرایط میتوان به میان توده ها رفت و کار سیاسی کرد ، تنها این کار ، صرفا قادر نیست به تشکیل بیانجامد . چرا که دیکاتوری ناچار است و میتواند آنرا در نقطه نابود و ملاشی کند و انگهی مگر توده ها شاهد نشکست حزب توده ها همه وسعت و امکانات نبوده اند ؟ آیا باز هم به چنین تشكیلاتی دل می بندند ؟ ! پرولتاریا و زحمتکشان را در رابطه با تشكیلات

است که آنرا پای دوم خود بحسابی آورد . یعنی
بدون وجود آن قادر نیست اهداف خود را دنبال
نموده و توده‌های میلیونی را در جهت نبرد با رژیم
دیکاتوری و سیستم بورژوازی وابسته به امپریالیسم
، جلب و بسیج نماید .

جنبش برای پاسخ گفتن بین ضرورت به
همکاری و مساعدت انقلابی نیروهای نیاز دارد که
خود را وقف مبارزه راستین برای رهائی
کارگران و توده‌های زحمتکش کرده اند . جای شکی
نیست که عمدتاً این نیاز را رفقای دانشجوی صارز
می‌توانند تامین کنند (بخصوص مارکسیستها)
سازمان ما در امر ایجاد چنین جناحی که
می‌تواند به خواسته‌ای وسیع‌سیاسی مبارزه مسلحه
، جامه عمل بپوشاند ، آمارگی خود را «جهت حمایت

باید آزمود ؟ بنیانگذاران جنبش مسلحه ، تئوریها
مبارزه مسلحه را با تجارب عینی خود ، از مبارزات
بی‌حاصل گذشته (یعنی همان کار سیاسی صرف)
تدوین نموده‌اند .

در این باره که تنها راه مبارزه برای گشودن راه
سایر اشکال مبارزه ، مبارزه مسلحه بشکل چریک شهری
است ، جای سخنی هم نمی‌تواند در میان باشد ولی
یکی از ضروریات مهم این مبارزه در حال حاضر کمبیانگر
محتوای آن می‌باشد ، توجه جدی به فعالیتهاي
(سیاسی - صنفي) است . یعنی رشد دادن و
هدایت و پشتیبانی کردن از هسته‌های (سیاسی -
صنفي) به منظور ایجاد جناح سیاسی جنبش .
ضرورت توجه به فعالیتهاي (سیاسی - صنفي)
از دیدگاه جنبش مسلحه تا آن حد جدی و جیانی

چنین تنگناشی کشاند .

رفقانی داشجو !

اگرچه تاکنون جنبش مسلحانه توانسته است از نیروهای بیکرانی را چه بشکل علی و چه بالقوه طرد خود سازد ، ولی توان آموزش (نظری و عملی) این را به حد لازم نداشته است . با مسائلی که برای جنبش در حال حاضر وجود دارد هواخواهان صرف جنبش ، نصیوانند بعنوان عنصری موثر و ظایف ضروری خود را انجام دهند . باید سپاهیانهای جنبش یا آموزش مارکسیزم - لنینیزم ، همراه با فعالیتهای سیاسی ، از شوریهای حنبش انقلابی شناخت عصی کسب کنند ، تا به قابلیت و شایستگی ایغای این نقش برسند .

و پشتیبانی علی و نظری از جریانهای مجازی کمتر

این جهت حرکت میکند ، اعلام میدارد .

در توضیح این مسئله باید بگوئیم : اگرچه هسته های (سیاسی - صنفی) کارگران ، بهترین و انقلابی ترین جریان محسوب می شوند ، معهم از سایر طبقات ، اقتدار و امنیتی که با ماهیت دیکتاتور آشناشی دارند و زیر اختناق و فشار رژیم رنج می برند ، باید از نظر درجه داشته شوند . بطور کلی باید با کشاندن حوزه فعالیتهای وسیع روشنفکران بهان تودهها ، رژیم را در محاصرهای قرار داد که جاگیریزی نداشته باشد . در چنین صورتی است که بتوان این رژیم را برای "تزار" صرف نمی کند که انبوه روشنفکران را بخاطر چنین فعالیتهایی به زندانهای طولی الطیت یا ... محاکوم کند . باید رژیم را به

کتب مارکسیستی - لنینیستی ای که توسط سازمان
ما منتشر میشود ، کیتا کفاف گوی نیازهای جامعه
نیست . نیروهای روش‌نفرکری که زمینه ساعدی برای
آموختن دارند ، آنقدر زیادند که ما به تنهائی نمیتوانیم
این احتیاج را مرتفع کیم . اشاعه و ترویج -
مارکسیزم لنینیزم و شوریهای " مبارزه سلحانه از طریق
انتشار کتب ، جزوای و اعلامیه ها ، از رژایی است کمیتی واند
در دستور کار توان قرار بگیرد (۳) .

ما طی اعلامیه ای « با درود های رفیقانه تظاهرات
خشم گین و پرشکوه اخیر » داشت جویان انقلابی
را ستد یم و وظیفه خود را بشکل تاکید بر هرجچه
بیشتر تودهای نعدن محتوای این تظاهرات و
بسط و یکپارچه کردن آن در سراسر کشور انجام
داد یم و باز هم از رفقای داشتجوی خواهیم
د ساینس شاه و امیریالیزم را که در حال حاضر بشکل
خیمه شب بازی د میکراتیک ، مبلغی گردیده ، افشاء
نعده و با تدها اوم انتصابات و اعترافات شان ، تاکتیک
های دیپلوماتیک رزیم را برای مقابله با جنبش
انقلابی اتخاذ کرده ، ختنش نماینده .
» برقار باد پیوند جنبش داشتجویی با توده های
زنگ و نفرت بر شاه و امیریالیسم توطئه گر
» ستحکم باد پیوند جنبش انتیتاشیونی با جنبش سلحانه
پیش از

میتینگها و تظاهرات داشتجویی در رابطه با
اعتراض به رزیم و افشاء جنایتکاریهایش و پشتیانی
از خلقهای معتبرضیبا حفظ هبستگی با جنبش
سلحانه یکی از شیوه های موثر در امرتبلیفات است
که هماره باید مردم توجه قرار داشته باشد .

در روابط تولیدی و مناسبات اجتماعی توجه کیم ، خواهیم دید که این دموکراسی کدائی هیچگونه آزادی اجتماعی و سیاسی و رفاه اقتصادی برای تولد های زحمتکش به ارمغان نمی آورد . و تنها در سطوحی میتواند روش‌نگران لیبرال و اقتدار مرده میانی را برای طبقه بفریزد و بشکل ظاهری رفاه و آزادی حدودی را برایشان تامین کند . (در عین حال بیروتی آمادگی کامل دارد تا به فجیعترین شکل هر جنبش انقلابی را سرکوب کند) . بیروتی که از تحت سلطه امپراطوری میگیرد . مادر مکیدن خون خلق است ، نه تنها تابع این قانون است ، بلکه تنها میتواند بقاء خود را با توصل به دیکتاتوری دوام بخشد . چراکه خلقی ایشان تحت استشار این سیستم ، به شکل دوگانهای استشار

توضیحات

(۱) - درباره توطئه دیپلماتیک اخیر شاه و امپراطوری مبنی بر دادن دموکراسی !! از آنجا که سیستم های سرمایه‌داری وجودشان به استثمار خلق ها بستگی دارد ، برای حفظ سلطنت خود یعنی عقیم کردن جنبش های انقلابی و نابودی آن ، به هر وسیله ای متول می‌شوند . یکی از وسائل مهم فروشنده غلیان جنبش از طرف بیروتی و امپراطوری رفوم هائی است که باشکال مختلف صورت میگیرد . دموکراسی بیروتی یکی از این وسائل است که ماهیتا همان دیکتاتوری است ، متنه شکل آن تفاوت ندارد . یکی دیدن دموکراسی بیروتی با دیکتاتوری ، ظاهرا مشکل است ، متنه اگر به عملکرد این دو

و گرنای خود دووه نوینی را در سیاست آمریکا که
بشر آزادی و دموکراسی است، نوید می‌هند !!
این جارچیان می‌خواهند وانعوکتند که ایالات -
متحده همواره به آزادی بشر خدمت کرده و در دووه
- هائی برخی از رهبران گذشته این سیاست را به
انحراف کشانده‌اند. ولی اینکه "کارتور" به امثال
دموکراتیک این کشور، جامده عمل می‌پوشاند !!
آنچه سیاست یک کشور را تعیین می‌کند -
منافع اقتصادی آنست، نه امیال بشرد و ترانه
و خیرخواهانه آن. برای امپریالیسم (بخاطر
ماهیت استثمارگرانمایش) نمی‌تواند آزادی مردم و
بشرد وستی طرح باند. آنچه می‌تواند طرح با
استثمار و بهره کشی روزافزون از گرده توده‌های خلق
است. چرا که حیات آن به این بستگی دارد.

می‌شوند و در نتیجه وقتی به جنبش در آینه، دیگر
هیچ نیروی قادر نیست آتش آنها را خاموش کند.
تجارب انقلابات جهانی می‌مید این معاشر.
بنابراین دموکراسی هایی که بجزئیاتی کمپاراد ورمیدهند
کاریکاتوری است از دموکراسی، بلی همچنان به تحد
فرونشاندن پتانسیل انقلابی جامعه و خلاصه با این
سیاست بجزئیاتی هیچگونه امتیاز حقیقی به توده‌ها
می‌لیوینی ندارد و تنها نقش "تنفسی" را ایفا
می‌کند. پولتیک اخیر رژیم شاه که به کارگردانی
امپریالیزم آمریکا طراحی شده، تنها می‌تواند کاریکا-
توري از دموکراسی را ارائه دهد.
از آن زمان که جناح دموکراتها (کارتورو شرکا)
برای اداره حکومت امپریالیستی آمریکا روی کار آمد.
وایستگان به امپریالیزم آمریکا در تمام جهان در پوق

پوشاند و بصورت عدم توجه به درخواستهای اقتصادی
و نظامی شاه سعی به ایجاد انحراف در افکار
عمومی داشت. (درست مثل جریان خرید هواپیمای
آواکن که اخیراً آقای کارتربراه انداختم ولی همین
کندی که آقای کارتربراه انداختم سیاست‌های اوست
بهمگام سفرشاه به آمریکا ، طی نطقی ماهیت روابط
خود را با شاه اینظور روشن کرد :
" شاهنشاه نیرومند ترین قدرت فردی "

ایران هستند و این قدرت را بزای
بهبود وضع اوضاع کشور و ملتان بکار
برده اند ، آمریکا با آلغویی باز از این
میهمان عالیقدر استقبال می‌کند و ما
از شاهنشاه ایران بعنوان یک دوست
و روزمند سلحشوری که بدون وجود ایشان

امپریالیسم از تاریخ حیاتش تا به امروز بخوبی
نان دارد است که تا پایان عمر ، دشمن فدار -
تودهای خلق است . تنها کافی است به کارنامه
جنایتهای امپریالیزم امریکا نگاهی بیافکیم ، سرشار
آن قتل و جنایت است . کثوار تدمیرهای انقلابی
خلق ویتنام و تعام جنایتها و توطئه های سیاسی
و نظامی در نهضت های انقلابی جهان بدست
سازمان (سیا) نمایانگر چهره واقعی و ماهیت
خد خلقی این کشور است .

کندی از قطاش همین کارتربها بود . دیدیم که
در سال ۱۹۴۲، تنها در ایران چه توطئه ای
را ترتیب داد . علی امینی عامل خود فریخته ، مجری
سیاستهای جناب کندی بود ، کندی با آنکه شاه را
خریده بود ولی هبستگی خود را با او ظاهر نمی -

بر اساس سیاست آمریکا روزنای بگاید تا توده ها
نفس بگند . تجربه سالهای ۴۲-۳۹ نکرار
خواهد شد . یعنی جنبش انقلابی غلیان می کند .
شما اینبار جلو ارش نیست . درین حال میبیند
که رشد سرماں آور سرمایه داری وابسته از طرفی
تعداد خلق با بهزادی که راه را و امیرالمیزم را ،
شدید کرده یا بعبارت دیگر زمینه رشد جنبش
انقلابی فراهم گردیده و از طرف دیگر سیاست خارجی
اخیر آمریکا توانست استقراری از روشنگران -
لیبرال دموکرات را بلغراض و داد و فریاد و دارد .
حساب میکند جا دارد با یک تحریر و تشنان بزنده و
درست همینجاست که دست به طرح کاریکاتوری از
دموکراسی میزند !

با خود می گوید : حال که راد و قسان

” ایران بد امان دشمن سقوط می کند ”
ستایش می کنیم . ما آمریکائیان اعتراف
می کنیم که هرگاه ایران از رهبری عالی
شاهنشاه بی بهره می بود ، این نقطه سیا
وحساس جهان سالها پیش سقوط کرد .
بود . (تکیه از ماست)

اختلاف کاربر با شاه از این ناشی می شود که
کاربر می خواهد سیاستهای آمریکا در نظام عرصمهای
تحت سلطه از جمله ایران انعکاس پیدا کند . اما
شاه با این خواست مخالف است . شاهی که از لحاظ
تجربه دیکتاتوری ، فرانکورا هم قبول ندارد !
مخصوصا که جنبش انقلابی را هم سرکوب کرده و کوتاه
آمد تر شکل است . شاه با تناخت عینی از توده های
تحت سلطه خود آگاه است بد اینکه اگر چنانچه

روشنفکران لیرال - دموکرات قا را پر کرده ،
فرصت مناسی است که به آنها می‌دان دهیم تا
بنواند نیروهای انقلابی را بخود جمع کنند و با
ویژه چنین معزکهای دیگر نیروهای انقلابی به
جنپی سلحانه جذب نخواهند شد . (این کار هم
قال است و هم توانا) چرا که نظر ارباب یعنی
امیرالیزم هم تامن می‌شود .
با این تعاریف آیا کاریکاتور دموکراسی شاه
می‌تواند تودهای انقلابی روشنفکر را بخود
جمع کند ؟

توطئه دموکراتیک شاه ، اجتماعات روشنفکری و
شخصاً جنبش انتجهونی را هدف قرار داده است
ولی نمیتواند تودهای انقلابی روشنفکر را فرب
رد . چرا که روشنفکر انقلابی برای خود شل آزادی

نه خواهد کشته و مرده شب نشینیها و بحث‌های
بی شر و حرفهای صد تا یک غاز نیست .
روشنفکران انقلابی آزادی را برای توده‌ها
می‌خواهد و اطمینان دارد که شاه هیچگاه نخواهد
گذاشت روشنفکر انقلابی آزاد باشد تا با توده‌های
خود سخن بگوید * . اگر به روشنفکران آزادی می‌
شرط بر این است که در تالارهای پردم و دود
دولتی ، زیر نظر عوامل سازمان امنیت ، تنها
با روشنفکران حرف بزند . که اگر پاپیتر را هم از
گلیم درازتر کند ، یعنی بخواهد از حوزه روشنفکران
خارج شود . ماموران ساواک و سانسورچی‌ها
گوشش را می‌گیرند و هر جور باشد حالیش می‌کنند که
* - رفقای داشجو خود مشاهده کردند که چکونه در
روزهای اعتصاب اخیر پلیس و حسینیه بجان داشجوها
افتاد و ماهیت خود را نشان ندارد .

ماهیت آنرا افشا می نماید . چنانچه این دموکراسی که امنی برایش فرصتی پیش آورد . استفاده خواهد کرد . دموکراسی بهزیستی اگر بشکل کالمش هم وجود داشته باشد ، برای او وسیله است . درحالیکه همین دموکراسی برای روشنگر لیبرال هدف است .

تفاوت مهم در همیتجابت .

نامهای سرگزاره و جارو و جنجال هائی که اخیراً روشنگران لیبرال برای اند اختراند . بعض رویت جال دموکراسی بهزیستی (که بنظر طاچنین چنینی محل است) خاموش می شود و آنگاه این آقایان به کرسی های معود شان جلوی خواهند کرد و دست در دست دشمن با جنبش انقلابی به مقابله برقی خیزد . در یک کلام میتوان گفت : که این آقایان هم مثل حضرات تبدیل مای اروپا نشین

* آزادی مورد نظر شاه یعنی چه ؟ ! *

در اینصورت از چنین ترسیونهای فقط روشنگرانی استفاده خواهند کرد که آزادی مشروط شاه بتواند نظرشان را تامین کند . بدیهی است این روشنگران آزار و حرف شنو ، گند و دماغان خرد و بهزیستانی مر阡اند که زیر لوای آزادی بیان و قلم و سایر آزادیهای اینچنین ، زندگی معود خوبش را با مراحم اعلیحضرت تدارک می بینند .

اما روشنگر انقلابی با تحلیل خود که برآساس شناخت از ماهیت سیستم صوت گرفته ، تجارب کشور خود و سایر کشورهای مشابه را در نظر می گیرد و از آنجا که حاوی رسالت تاریخی است ، ضمن اینکه وقعی به دموکراسی شاه نمی گذارد و مجدانه — مثل نویسنده آزادیخواه (به آذین) که رستگیریش را کیهان اعلام کرد .

سیزده ماند و باد شان گرد و می شکسته ، جنبش -
دانشجویی وظیفه دارد با افتابه بین از پیش ماهیت
° فرست طلب ° آنان ° در هر لباسی و شکلی که
می توانند به برنامه های مورد نظر اصولی بالمیزم و شاه
(برای طلبکار و منفرد کردن جنبش انقلابی) جامیه
شدت
عمل بپوشانند ، مبارزه کند . در عین حال باید توجه دا
که برآسان اهداف جنبش انقلابی سلحنه میتوان
از کچکترین امکانات علیه استفاده کرد و آرمانهای
جنبهای سلحنه را بیان توده ها برد و ماهیت
رژیم را به آنها شناساند و مردم را در رجهت مبارزه
با دیکتاتوری شاه بسیج کرد .

(۲) ° درباره هسته های سیاسی - صنفی
در حال حاضر سازمانهای سیاسی - نظامی نمی -
توانند در جنب خود هسته های سیاسی - صنفی

با دیکتاتوری شاه مخالفت ولی با دموکراسی شاه
موافق ! بنابراین رفقای دانشجو باید بین شعار
استراتژیک جنبش انقلابی سلحنه یعنی (نبرد با
دیکتاتوری شاه) با شعاری که حزب توده زیرهنگام
(جبهه واحد ضد دیکتاتوری) مطرح می کند .
تفاوت اساسی قائل شوند . ماهیت این دو شعار کاملا
متفاوت است . بر فرض محال اگر حزب توده بتواند زیر
این شعار مردم را بسیج نماید . مثل روز روشن است
که در یک معاطه سیاسی با رژیم یا مثل سابق با خالی
کردن صیدان و فرار به خارجه توده ها را باز هم
به زیر نیغ جلاد می فرستد .

با این توضیح و شناختی که رفقای دانشجو
از این آقایان باصطلاح توده های دارند ، در شرایطی
که این آقایان دل در گروه دموکراسی لعنانی لعلیحضر

تشکیل دهند، ولی بخاطر اهمیت آنها یعنی نتسی

که در جنبش ایقا می‌گذشت، باید عناصری از جنبش مسلحه بشکل جداگانه اقدام به سازماندهی گروههای سیاسی - منفی کنند. این عناصر با شناختن که

از جنبش مسلحه دارند میتوانند حرکات سیاسی و اقتصادی را در جهت جنبش انقلابی هدایت کنند.

در این رابطه به چندین موضوع باید توجه داشت:

- این گروهها باید برای تدارک جریانهای اعتراضی بوجود آید و فرم خود را برآماده این محتوى قرار دهند.

- از دچار شدن به عوارض گروهها و محظهای تئوریک پرهیز کنند.

- این گروهها در هر مرکز کار جمعی و یا هر صنفی توانند از عناصر آگاه و مبارز تشکیل شوند.

مسئله اساسی، شناخت و تحقیق وظایف، پیدا کردن فرم مناسب و کاربرد پیگیرانه تاکتیکهای تعیین شده است.

- بهمان گونه که این گروهها یا هسته‌ها باید در تبدیل عدن به گروههای "سیاسی" مخفی قدیمی که تجربه پیشوده بودن آنرا ثابت کرده، پرهیز کنند باید از کشیده شدن به فعالیتهای نظامی یا شبه نظامی خود را دری کنند. چرا که علت وجودی آنها ایجاد رابطه وسیع با مردم است. بنابراین لزومی ندارد که شیوه هزاره با پلیس و اصول کار مخفی را از گروههای سیاسی نظامی تقطیع کند.

- در این گروهها نه تنها از "خانه اسن"

"نیم"، "کل" "خبری نیست، بلکه فرهنگ-چریکی هم جانی ندارد. از هر تشریفاتی کم‌سئولیت گروه

- این گروهها برای سازمانهای حرکات عمومی میتوانند از همه امکانات قانونی، مثل اتحادیهای قلابی و ظاهری دستگاه، مذاکره با مقامات دولتی و مانند آن استفاده کنند. ولی باید از هر گونه حمایت از رژیم، آلت دست مقامات دولتی شدن و خوشبینی زیاد به امکانات قانونی پرهیز شود. میتوانند این گروهها در جریان عط علیاً تراکت یا نشریاتی در جهت بصیر اعضا صنف خود یا ایجاد همبستگی با جریانهای شاید دیگر متشر کنند. ولی باید دقت کنند که با لورقتن آنها پای جریانهای دیگر میان نمایند. پوشش عمومی این جریانها خواسته و فعالیتهای صنفی و اقتصادی است.

(۳) درباره سلوهای انتشاراتی :

-۱۲-
 را افزایش دهد، باید جلوگیری شود. (سازمانهای این گروهها از حداقل مسلسله موافق بودن از این گروهها و لخای آنها هسته مرکزی این گروهها و لخای آنها بنابر مسئولیت خود، در صورت بازداشت مجازاتهای را باید تحمل کنند، هر چند با انتقام جوئی دشمن از چریکها قابل مقایسه نیست، معبداً آنها باید آماده این نهادهایی باشند.
 - در گروههای سیاسی - صنفی به تحریک انقلابی توجه میشود.
 - اداره کنندگان چنین گروههایی باید به سیر جنبش انقلابی، توجهی ها و راهنمایی های سازمانهای چریکی، عیناً توجه کنند.
 - در این جریانها باید جو مسلحی نسبت به جنبش سلطانه حاکم باشد.

ما این سلولهارا بثابه نوع خاصی از تشکل بسیار
نشرده پیشنهاد میکنیم.

یک سلول انتشاراتی از دویسه نفر مبارز آگاه تشکیل
میشود. این سلولها احتمالاً با گروههای سیاسی- نظامی
رابطه یکجانبه‌ای دارند. وظیفه خاص این سلول تکثیر
نشریات، اعلامیه‌ها و آثار تئوریک سازمانهای چریکی و احياناً
آثار کلاسیک ضروری در جهت جنبش صلحانه است. این
نشریات تکثیر شده در سطح جریانهای سیاسی- منفی
تعزیز میشود. اگر رابطه سلول با آنها یکطرفه باشد،
سلول حیات طولانی تری خواهد داشت و ایجاد چنین
سلولهایی بار سنگینی را زد و شجریانهای چنینکی بر-
میدارد، و آنها را برای تعزیز نشریات خود به خطر
نمی‌اندازد. در عین حال صنولیت جریانهای سیاسی
- منفی را کاهش دارد و موضع آنها را در مقابل پلیس

تعقیت میکند. این سلولها نیز باید آماره تحمل
چند سال زندان باشند. گروههای سیاسی -
نظمی میتوانند مستقیماً در ایجاد این سلولها دخا
کرده و با آنها تعاون یکجانبه برقرار سازند.

پیروز باشید